

## « طرح يك الگوی کاربردی در آموزش زمان‌های حال و گذشته در افعال فارسی »

دکتر یارمحمد حسین بر\*

فرشته نوروزی\*\*

### چکیده

برای فهمیدن هر زبانی، مهمتر از هر چیزی دانستن مفهوم و جایگاه هر کلمه در جمله است. هر گاه هر نقشی را در جمله بتوانیم شناسایی کنیم و معنا و مفهوم آن را درک کنیم، در حقیقت به اصول دستوری و قواعدی آن زبان آشنا شده‌ایم و می‌توانیم دیگر زبان‌های رایج در دنیای علم و دانش را فرا بگیریم.

از آن جا که ساختار اصلی هر جمله‌ی کامل را فاعل و فعل تشکیل می‌دهد. پس اگر انواع فاعل و فعل را بشناسیم راه را برای فهمیدن و درک دیگر زبان‌های مرتبط به گسترش علوم آموزشی گشوده ایم.

از آن جا که بحث مورد نظر ما به فعل مربوط می‌شود می‌گوییم؛ فعل در زبان فارسی به سه زمان حال، گذشته و آینده تقسیم شده است. اگر زمان درست فعل را تشخیص ندهیم قادر به شناخت گونه‌های مختلف زمان‌ها در فعل نیستیم. اصلی‌ترین بخش، شناخت بن و ریشه فعل است. وقتی در فعل بن را از شناسه تفکیک کردیم و توانستیم زمان دقیق آن را بشناسیم در تحقق آرمان‌های ادبی موفق عمل خواهیم کرد.

mohammad@yahoo.com

norouzi.f@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۰۷

\* دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۱



### مقدمه

زبان فارسی، زبان مادری و زبان رسمی کشور ماست که به صورت ملی آن را پذیرفته ایم و علوم درسی و تحقیقی و پژوهشی را به این زبان پی ریزی می‌کنیم.

در حقیقت پایه‌ی اصلی و زیر بنای آموزش‌های ما مثل درس‌های ریاضی، قرآن، دینی، علوم و در مقاطع بالاتر درسی؛ درس فیزیک، شیمی، فلسفه و هنر و... حتی در سنوات بالاتر تحصیلی، تمامی آموزش‌ها بر اساس زبان فارسی رد و بدل می‌شود. پس باید دانسته باشیم که در مراحل اولیه که تازه شالوده‌ی آموختن شکل می‌گیرد باید به نحو احسن و صحیح شکل بگیرد.

اولین مکانی که با این حقیقت روبرو می‌شویم مدرسه است. با قدم گذاشتن در محیط مدرسه تمامی لهجه‌ها و گویش‌ها در کمک به فهمیدن زبان فارسی می‌کند تا رفته رفته جای خود را به زبان فارسی بدهد. این مهم باید قدم به قدم و دانسته صورت بگیرد تا در جایگاه خویش متمرکز واقع شود. زیرا زبان رسمی و مکاتبه‌ای کشور که برای ارتباط از آن بهره‌مند می‌شویم فارسی است. با فراگرفتن زبان فارسی، زمینه و بستر رشد دیگر زبان‌ها را فراهم کرده ایم.

از آن جا که دین رسمی کشور ما اسلام است و کتاب مقدس دین اسلام، قرآن می‌باشد؛ در اولین گام بعدی باید زبان عربی را برای فراگیری دروس قرآنی بیاموزیم. از دیگر سو برای تکمیل و ادامه درس و پژوهش و ارتباط با دنیای مدرن و امروزی، باید بتوانیم مقاله‌ها و کتاب‌هایی که در سطح جهانی مطرح هستند را مورد مطالعه قرار دهیم. پس زبان بعدی که باید آن را آموخت زبان انگلیسی می‌باشد. زیرا زبان رسمی بین‌المللی برای ارتباط برقرار کردن در حیطه‌های برون مرزی است.

اگر کسی بخواهد دامنه‌ی آموزشی خود را گسترده کند یا بگستراند، باید در حوزه‌های مختلف پژوهش و آموزش قدم بگذارد و آن را گسترده و وسیع‌تر سازد.

خشت اول یا در اصل، قدم اول همه‌ی این اتفاقات خجسته و مبارک، فراگیری اصولی و صحیح زبان فارسی چه در فهم صحیح واژگان، چه در گویش و خوانش و چه در سخن گفتن با دیگران است.



در مقطع ابتدایی و شروع درس و مدرسه، بیشترین دغدغه و نگرانی درباره فهمیدن و شناخت درس فارسی است و از اهمیت بالایی برخوردار است. اما رفته رفته که دانش آموز در مقاطع بالاتر تحصیلی قدم می‌گذارد، از اهمیت این درس کاسته می‌شود و ارزش یادگیری آن سخیف و کم ارزش قرار می‌گیرد. به زبان دیگر، درس مهمی به حساب نمی‌آید و در باور غلط که «فارسی چیزی ندارد» آن را مهم قلمداد نمی‌کنند. در صورتی که با اضافه شدن به سطح تحصیلات، زبان فارسی جایگاه خود را در کنار ادبیات فارسی نمایان می‌کند و با تالو خود، دانش آموز را با محیط مانوس و گسترده‌ی ادبیات آشنا می‌کند و می‌فهماند که برای درک و دریافت اصول ادبی فارسی باید زبان فارسی را خوب آموخت.

زیرا رکن اصلی و اساسی تعلیم و تربیت، در ادب و دانستن آداب آموختن و حفظ آموزش‌ها، ارزش‌ها و تعلیم‌هاست.

### توصیف اوضاع مورد بررسی

فرشته نوروزی؛ دبیر مدرسه نمونه دولتی صدیقه طاهره(س) در شهر کنارک که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ غیر از درس ادبیات، درس قرآن و هنر را در مقاطع دوره اول تحصیلی متوسطه مشغول به تدریس بودم.

مدرسه‌ای نوساز با امکانات خوب و مجهزی که تدریس درس ادبیات هفتم و هشتم این مقطع را عهده دار بودم. در ابتدای مهر وقتی وارد کلاس هشتم شدم با دانش آموزانی مشتاق و صمیمی مواجه شدم که برای آموختن تشنه بودند. این را وقتی فهمیدم که با شروع تدریس همه تن گوش و همه سر چشم می‌شدند.

فضای حاکم بر کلاس علیرغم شیطنت‌های دوران نوجوانی، فضایی مملو از روحیه تعلیم و شوق علم آموزی داشت. همین شوق به آموختن و طلب علم باعث شد تا در اوقات فراغت به اهمیت دانایی و پرهیز از نادانی پردازیم و گفت و گوهای دوجانبه‌ی زیادی در این زمینه داشته باشیم. هرچند در اوایل فصل، دانش آموزان از نگرش متفاوتی که پیش رو داشتند متعجب بودند. گویی دریچه‌ای از تفکر و پژوهش در دنیای دانستی‌ها برایشان گشوده شده که ترجیح می‌دادند فقط



مستمع باشند. آن هم شنونده‌ای که سخنان را تا پایان دنبال می‌کند و هر جلسه مشتاق تر و پرشور تر برای فهمیدن و درک کردن در کلاس حاضر می‌شوند.

تا آن جا که در طی تدریس به موضوعی رسیدیم که مربوط به زمان‌های فعل بود. کلاس خسته و پر صحبت شد و کسی علاقه‌ای به درس نشان نمی‌داد! با اینکه مطالب مربوط به سال هفتم میشد، متأسفانه هیچ کدام از دانش آموزان درک صحیحی از زمان گذشته، حال و آینده نداشتند و قدرت تفکیک و تشخیص آن را به صورت صحیح نیاموخته بودند و یا فراموش کرده بودند.

## گام اول

### شناخت واژگان

گروههایی که در ابتدای سال در کلاس تشکیل داده بودیم را موظف کردیم که جدولی تهیه کرده و در ستون اول سمت راست که مربوط به افعال است، تمامی افعال درس اول روان خوانی را بنویسند و در بالای کادر جدول زمان‌های فعل را به صورت جداگانه و به ترتیب بنویسند. از ستون اول، ابتدا فعل سپس مصدر و بعد از آن بن ماضی و بن مضارع را ستون بندی کنند.

هر کلمه و نقش آن‌ها در جمله تعریف شد و گفته شد که رکن اساسی یک جمله فعل است و با وجود یک فاعل و فعل می‌توانیم یک جمله کامل داشته باشیم. دانستیم که فعل برای تکمیل معنای جمله و در پایان جمله قرار می‌گیرد. فعل صورتهای مختلفی از زمانهای متفاوت دارد که با تمرین و تکرار، توانایی شناخت فعل در جمله را قوت بخشیدیم.

بعد از توضیح نقش کلمه در جمله، گویی دری از دانایی به روی دانش آموزان باز شده بود. حالا کلمه‌های «فعل»، «مصدر»، «شناسه»، «بن»، «ماضی» و «مضارع» توضیح داده شد تا همه با معنای واژه‌های بیشتر آشنا شویم.



## گام دوم

### شناخت فعل و شناسه

برای شناخت شناسه‌هایی که به فعل چسبیده بودند و شخص و شمار آن را مشخص می‌کردند، یک جدول منظمی از معرفی شناسه‌ها لازم بود. در کتاب، آن را داشتیم که با کمک یکی از دانش آموزان سطح ضعیف کلاس که علاقمند به یادگیری شده بود؛ جدول راتهی کرده و بالای تخته نصب کردیم تا در هر لحظه جلو دید باشد و ملکه ذهن شود. دیگر موقع آن شده بود که فعل‌های شناسایی شده از شناسه جدا شوند و ریشه یابی شوند. تمامی دانش آموزان رغبت داشتند در این رقابت شرکت فعال داشته باشند.

در این مرحله علاوه بر شناخت فعل دیگر می‌توانستیم شخص و شمار فعل را نیز تشخیص بدهیم. گروه‌ها با کمک سرگروه‌ها قبل از رسیدن وقت موعود، تکالیف مربوط به افعال و شناسه‌ها را انجام می‌دادند تا زودتر مطلب جدید را بیاموزند. این فعالیت و شوق گروهی بسیار دلچسب بود. زیرا اگر در گروهی، کسی مطلبی را نمی‌فهمید با کمک همگروهی یا سرگروه، آن مشکل را حل می‌کردند و اگر در درک موضوعی با مشکل مواجه می‌شدند که موفق به حل آن نمی‌شدند با کمک دبیر یا معرفی یک کتاب کمک درسی، لذت یادگیری را برای همه کلاس داشتیم. عالی بود.

در این مرحله دانش آموزان دانستند که باید اول واژه را بشناسند و معنی آن را درک کنند سپس به مراحل بعدی شناخت وارد شوند.

بعد از شناخت شناسه‌ها و آموختن جدول با تمرین و تکرار نوبت به شناخت مصدر است.

## گام سوم

### شناخت مصدر

«صدر به معنی قلب»

این مرحله از اهمیت زیادی برخوردار است. در همین راستا برای درک مفهوم مصدر علیرغم اینکه دانش آموز باید بداند که بر زمان و شخص خاصی دلالت نمی‌کند؛ خاطر نشان کردیم که شما



خیال پردازی کنید که همیشه مصدر در نانوائی است و با خود «نون» دارد. بدین روش ما می‌دانیم که در پایان کلمه‌ای که مصدر است واژه «ن» قرار دارد. با استفاده از کلمات و عباراتی که برای دانش آموزان ملموس تر است، درس را شیرین کردیم و تاحدی با بازی گروهی به درس خواندن پرداختیم. برای شناخت مصدر هر فعلی، دایره لغوی گسترده‌ای لازم است که آن هم فقط با مطالعه بیشتر و گسترش دامنه‌ی واژگان فراهم می‌شود. اصطلاح «نانو، نانوائی و نون» که دلالت بر همان نون در پایان کلماتی هستند که به عنوان مصدر می‌شناسیم و یکی از شاخه‌های شناخت مصدر محسوب می‌شود باعث جلب توجه دانش آموزان شد زیرا همه با نان و به اصطلاح نون در روز ارتباط دارند و هرگاه برای خوردن غذا «نان» به دست بگیرند به یاد مصدر نانوا می‌افتند که خیلی نان «نون» دوست دارد.

### گام چهارم

#### اهمیت شناخت فعل

دو قدم اصلی برداشته شده بود و هم اکنون دانش آموزان پایه هشتم می‌دانند که هر مصدری باید در پایان با حرف نون ختم شود؛ آشنا شدن با مصدر نانوا دانش آموزان مقاطع هفتم و نهم هم با مصدر نانوا ارتباط برقرار کردند. و برای درک بهتر نقش مصدر کمک خوبی شد. حالا نوبت به شناخت ریشه‌ای زمان‌های فعل رسیده بود. در طول سال تحصیلی، کلاس‌هایی در آموزش و پرورش با سرگروه‌های دروس مختلف برگزار میشد که به اقتضای کار باید در آن جلسات شرکت می‌کردیم. عموماً کلاس ادبیات با عربی در نزدیکی هم کلاس آموزشی داشتند. از سخنان همکارانی که درس عربی را تدریس می‌کردند متوجه شدیم که دانش آموزان درک درستی از زمان ماضی و مضارع که همان گذشته و حال باشد ندارند. بعضی از دانش آموزان ترجیح می‌دهند فقط حفظ کنند که این خود مشکلات عدیده‌ای را در مراحل بالاتر آموزش ایجاد می‌کند.



در همان جلسات تصمیم گرفته شد که جلسه‌ای برای حل این معضل مشترک در نظر بگیریم. ضعف شناسایی شد. در طی این جلسات متوجه شدیم که آموزش صحیح دروس پایه‌ای که زبان فارسی است باید اصولی انجام شود. دریافتیم که این مهم وقتی کمرنگ باشد و مورد توجه قرار نگیرد در پایه‌های بالاتر که زبان عربی و زبان انگلیسی به دروس اضافه می‌شود، فهمیدن نوع کلمه و تشخیص فعل و زمان آن از ارزش درسی بیشتری برخوردار می‌شود.

با توجه به این اصل مهم آموزشی و قرار دادن چهارچوب درسی و جدول کشی شناخت فعل، مصدر و شناسه فقط جای بن ماضی و مضارع در جدول خالی مانده است که کار گروهی و حل کردن جدول، شوق بیشتری را در دانش آموزان به وجود آورده بود تا به صورت تفریحی درسی را بیاموزند و از لذت یادگیری بهره مند شوند.

در گفتگوهای آزاد کلاسی به اتفاق هم با فعل‌هایی که در سخن می‌آمد، گذری به جدول مصدر نانو می‌زدیم و این گذر زدن دانش آموزان به جدول مصدر نانو خوشحال کننده بود؛ زیرا بدون مکلف کردنشان، داوطلبانه مصدر افعال را پیدا می‌کردند و در جریان این فعالیت کلاسی، جواب را می‌گفتند.

در این مرحله هنوز دانش آموزانی بودند که نمی‌توانستند سریع مصدر را پیدا کنند. خوشبختانه ارتباط گروهی باعث می‌شد با اشاره کوچکی از طرف همگروهی، دانش آموز مصدر را پیدا کرده و در جدول جاگذاری کند.

### گام پنجم

#### «شناخت بن ماضی»

بعد از شناخت فعل، دانش آموزان تفاوت بین فعل و فاعل را درک کرده اند و مهمترین گام شناختی را برداشته اند. این زمان، همه‌ی دانش آموزان مزه‌ی شیرین دانایی را چشیدند و مشتاق تغذیه‌ی روح کنجکاو و خستگی ناپذیرشان شدند. با کمک دانش آموزان جدول را روی تخته کشیدیم و برای فهمیدن بن فعل ماضی آماده شدیم.



سرگروه‌ها در کنار زیر گروه‌ها بودند و با مرور درس جدید که از قبل خوانده بودند آماده و گوش به فرمان در کلاس حاضر شدند. زیرا باید بعد از تدریس به اتفاق هم گروهی‌ها افعالی را از درس جدید پیدا کنند تا مورد بررسی قرار بدهند.

«یعنی ابتدا یک فعل را پیدا کنند، شناسه آن را جدا کنند، مصدر آن را بیابند و سپس بن ماضی آن را استخراج کنند.»

با آمادگی کامل و سکوت حاکم در کلاس که نشان می‌داد همه ذهن‌ها آماده اند؛ فقط لازم بود از دنیای خیال بهره ببریم تا قصه سازی کارساز گردد. به شاگردان گفتیم برای یافتن بن ماضی هر فعلی، کافیسیت «مصدر نونوا» را که به «نون» خیلی علاقه دارد، به منزل بن ماضی دعوت کنیم! بن ماضی هم مصدر را از «نون» خوردن می‌اندازد و مابقیه را به اسم خودش می‌نویسد! پس در نتیجه، مصدر بدون نون آخرش، مساوی است با بن ماضی.

لازم به یادآوری می‌دانم که آموزش «بن» قدم اول در یادگیری مفهوم اصلی شناخت واژگان است.

## گام ششم

### «شناخت بن مضارع»

در این گام مرحله نهایی جدول شناخت فعل ما یعنی شناخت بن مضارع می‌باشد. برای تدریس بن مضارع، در ابتدای کلاس و بعد از حضور و غیاب و مرور درس گذشته؛ به شاگردان گفتیم همگی کتاب‌ها را بسته و قلم‌ها را بر زمین بگذارند و همچون پادشاهان بر اریکه‌ی دانش آموزشی شان تکیه بزنند و دستور بدهند.

با دستور دادن و امر کردن، به صورت عینی و ملموس با خنده‌های مکرر، فعل امری را درک کردند. سپس با همان ژست پادشاهی شان تمامی فعل‌های روی تخته را به صورت امری در آوردند. بعد از آن با حذف «ب» از اول فعل امر بن مضارع را به دانش آموزان معرفی کردیم. پس بن مضارع هر فعل یعنی حالت امری فعل با حذف حرف «ب» از اول آن فعل.





زیر بنای شناخت و ساخت فعل مضارع «حال» شناخت فعل امری است. با این نمایش تفاوت فعل امر و نهی آشکار شد. با تمرین و ممارست، گروه‌ها دیگر می‌توانستند هر فعلی را به صورت امری در آوردند و این خرسندی از تجربه دانش‌اندوزی را بهره‌مند شوند. در پایان، بعد از ساختن فعل امر از مصدر، باید حرف «ب» را از ابتدای فعل امر حذف کنند تا بن مضارع بدست بیاید. برای تحکیم این آموزه فقط تکرار کارگشایی می‌کند. پس با خوانش درس‌های روان خوانی این مهم میسر شد.

### نتیجه‌گیری

برای داشتن درک درستی از مطالب دستوری و نگارشی فارسی، باید ابتدا در اولین قدم معنای واژه را فهمید تا در راستای آن اصول کاربردی آن را بتوان آموخت. این مهم، تاثیر گسترده‌ای بر معلومات و دانسته‌های هر فرد می‌گذارد. زیرا قدم اول باید محکم و بر پایه‌ی فهم و دانایی گذاشته شود تا قدم‌های بعدی که پربارتر و سنگین‌تر است بتوانند بر این اصل تکیه کنند و دامنه‌ی معلومات گسترده شود. وقتی دانش آموز یا گروهی از دانش‌آموزان مطلبی از درس را متوجه نمی‌شوند باید کار تدریس را به ریشه‌یابی علت هدایت کرد تا مشکل برطرف شده و روند تدریس سیر اصولی صعودی خود را ادامه دهد. به قول معروف «جلوی ضرر را از هر جا بگیری منفعت است». براساس همین ضرب‌المثل، باید گفت دانش‌آموزی که هنوز معنی فعل را نمی‌داند نمی‌تواند انواع آن را بشناسد و یا تفاوت آن را با فاعل یا مفعول درک کند. در نتیجه‌ی کار اطلاعات درس‌های دیگر که مکمل همین درس است و در همین مقطع خواهد آموخت را نمی‌تواند به طرز درستی بیاموزد. پس باید تدریس درس جدید را نگه داشت. هرچند که این ریشه‌یابی و علت‌شناسی در روند بودجه‌بندی درسی خلل وارد کند.



برای تدریس فعل و شناخت آن از مطالب مربوط به آن در سال گذشته شروع کردیم و با کمک قصه، خیال پردازی و نمایش کلاسی به آن شاخ و برگ دادیم و برای فهمیدن آن تلاش کردیم و موفق شدیم.

شور و شوق دانش آموزان و نیاز فطری انسان به کار گروهی باعث شد تا در نتیجه یادگیری انسجام بهتری داشته باشیم و امورات درسی و تکمیل آموزش را با کار گروهی مدیریت کنیم. در پایان این شیوه از درس دادن، مخاطب شیوه کد گذاری و ارتباط بین درس و بازی را می آموزد و آن را بسط می دهد. از یک سو قوه ی خیال پردازی و قصه گوئی که خود یعنی شاخ و برگ دادن به اصل داستان که از اصول درس نگارش و اشنانویسی است؛ به دانش آموز کمک می کند تا ذهن خلاق خویش را پرورش دهد و برای گستردگی محیط پیرامون ذهنی خویش واژه ها و ترکیبات بدیعی خلق کند تا بتواند مخاطب خود را به حیرت وادارد و از دیگر سو ادامه دهنده این زنجیره ی خلاقیت و نوآوری در زمینه یادگیری می شود و آن را بسط می دهد.

به نظر نگارنده، خلاقیت و نوپردازی در یادگیری نقش شایانی دارد پس برای تحقق آن باید علم خود را به هنر عشق ورزیدن به تعلیم آرایش داد تا زینت بخش اذهان دانش آموزان باشد. دانش آموزانی که تنها مخاطب خاص معلمین هستند.

با این شیوه تدریس دیدیم که کلاس، محیطی رقابتی بین گروه ها ایجاد کرده که همگی دوست داشتند نمره اول را از آن گروه خود کنند. شور و شوق در وجودشان دیدنی بود. همگروهی ها هوای همدیگر را در امتحان پای تخته ای داشتند. روحیه تعاون در وجودشان ستودنی شده بود.

نتیجه گیری از این شیوه درس دادن را در یک جمله می آوریم:

با کمک ابزارهایی چون نمایش، تخیل و خیال پردازی، صحنه پردازی، کار گروهی، آسان گرفتن و ملموس کردن درس با بازی سازی فضای کلاس و در نهایت با ریشه یابی علت اصلی درک نکردن مطالب درسی و رفع آن با همفکری و هم اندیشی گروهی در مجامع معلمین، می توان راههای تدریس و تربیت را سرعت داد و آن را لذت بخش دانست.

امیدواریم این شیوه از درس دادن مفید بوده باشد و در جهت ترقی و پیشرفت علم قدمی بر داشته باشیم.



### منابع و مآخذ

- فارسی پایه هشتم دوره اول متوسطه-۱۱۵، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»، چاپ چهارم ۱۳۹۶.
- دستور زبان فارسی، صادقی، علی اشرف و ارژنگ، غلامرضا، وزارت آموزش و پرورش، سال ۱۳۶۳.
- گزارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دفتر هفتم، به کوشش حسن قریبی، زمستان ۱۳۸۶.
- فارسی پایه هفتم دوره اول متوسطه ۱۰۱، سازمان پژوهش و برنامه ریزی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»، چاپ پنجم ۱۳۹۶.
- از انشا تا نویسندگی، جعفر ربانی، مدرسه، سال ۱۳۸۰.
- ضرب المثل‌ها و سخنان حکمت آمیز، امر الله ذو الفقاری، ندای اندیشه، سال ۱۳۷۹.
- فرهنگ فارسی معین، محمد معین، امیر کبیر، تهران، شش جلد، سال ۱۳۷۵.
- لغتنامه دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، به کوشش غلامرضا ستوده، ایرج مهرکی، اکرم سلطانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۲۶۹۴، ۲۶۹۵، سال ۱۳۸۵.